

# کاربرد گونه‌شناسی در تفسیر هنر مسیحی قرون وسطا

هادی ربیعی\*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۷/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۰۱/۲۲

## چکیده

گونه‌شناسی، روشی برای تفسیر کتاب مقدس است که بر اساس آن، برخی افراد، رخدادها، اعمال و مکان‌هایی که در عهد عتیق از آنها سخن رفته است، به مثابه اخباری پیشین از مسیح، یا رخدادها، اعمال و مکان‌های مرتبط با وی، آن چنان که در عهد جدید مندرج است، قلمداد می‌شوند. عناصر این نسبت‌های گونه‌شناختی، عبارت از «گونه‌ها» در عهد عتیق و «پادگونه‌ها» در عهد جدید دانسته می‌شوند. در این سیستم بر وحدت میان عهد عتیق و عهد جدید تأکید می‌شود و عهد جدید به مثابه تحقق عهد قدیم قلمداد می‌گردد. از این روش در فهم و تفسیر کتاب مقدس، به ویژه بخش‌هایی هم چون مکاشفه یوحنا، و نیز دیگر متون دینی مسیحی، استفاده فراوان شده است. اما استفاده از تفسیر گونه‌شناسانه به کتاب مقدس محدود نبوده است. این روش در فهم و تفسیر آثار هنری نیز تأثیر بسزایی داشته است. اهمیت این روش تفسیری به حدی است که بدون شناخت آن، فهم چرخه روایی تصاویر در برخی از کلیساهای قرون وسطا و چرایی نحوه چینش و مجاورسازی تصاویر بر روی دیوارهای آنها امکان‌پذیر نخواهد بود. در مقاله حاضر چگونگی کاربرد این روش در تفسیر هنر مسیحی قرون وسطی، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد و اصول حاکم بر این روش تفسیری برشمرده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: گونه‌شناسی، هنر مسیحی، قرون وسطا، تفسیر اثر هنری

## مقدمه

مسیحی بر اساس وقایع و اشخاص ذکر شده در عهد عتیق» تعریف شده است (Darbyshire, 2003: 500) و فرهنگ جدید کتاب مقدس آن را به مثابه روشی برای بیان تاریخ نجات بر اساس کتاب مقدس تعریف کرده است که بر اساس آن، برخی از بخش‌های اولیه کتاب مقدس به مثابه پیشگویی از بخش‌های بعدی آن در نظر گرفته می‌شود یا برخی از بخش‌های بعدی، ظهور مجدد یا تکمیل بخش‌های اولیه آن دانسته می‌شود (Bruce, 1994, 1226). در برخی از پژوهش‌ها، تصریح شده است که این پیش‌گویی جنبه تمثیلی، معنوی یا عرفانی دارد (Darbyshire, 2003: 501). با در نظر گرفتن این تعاریف، به طور کلی می‌توان مهم‌ترین مواد تفسیر گونه‌شناسانه را عبارت از اشخاص، اعمال، رخدادها و مکان‌ها دانست. در نتیجه، گونه‌شناسی، به عبارت دقیق‌تر، عبارت است از روشی تفسیری که بر اساس آن، برخی افراد، رخدادها، اعمال و مکان‌هایی که در عهد عتیق از آنها سخن رفته است، به مثابه اخباری پیشین از مسیح، یا رخدادها، اعمال و مکان‌های مرتبط با وی، آن چنان که در عهد جدید مندرج است، قلمداد می‌شوند.

بسیاری از مفسران کتاب مقدس، در دوره‌های مختلف، کوشیده‌اند تا با استفاده از این روش به وحدت میان عهد عتیق و عهد جدید حکم کنند. رابطه گونه‌شناسانه میان عهد جدید و عهد عتیق در این بیان ظریف آوگوستین، جمع‌بندی شده است: «در عهد عتیق، عهد جدید مستور است و در عهد جدید، عهد عتیق مکشوف است» (Bruce, 1994, 1226). این کار در واقع از طریق برشمردن طرفین نسبت‌های گونه‌شناسانه در عهد عتیق و عهد جدید انجام می‌گرفت. طرفین نسبت‌های گونه‌شناسانه عبارتند از: «گونه‌ها»، یعنی همان افراد، رخدادها، اعمال و مکان‌هایی که در عهد عتیق ذکر شده‌اند؛ و «پادگونه‌ها»، یعنی همان افراد، رخدادها، اعمال و مکان‌هایی که از پیش توسط گونه‌ها تجسم شده بوده‌اند و در عهد جدید بیان شده‌اند.

اثبات حقانیت مسیحیت از طریق تبیین این پیشگویی‌ها، به سرعت به ابزار مهمی برای مبلغان

آن چنان که آشکار است تاکنون روش‌های مختلفی برای تفسیر آثار هنری، و از جمله هنر مسیحی قرون وسطا، عرضه و به کار گرفته شده است. برخی از این روش‌ها، چه در دوران قرون وسطا و چه در دوران مدرن، در اصل از منشأی غیر از آثار هنری برخاسته‌اند و در ابتدا از سوی گروه‌هایی غیر از هنرمندان و مفسران آثار هنری مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بر این اساس، گاه روش‌های تفسیر آثار هنری از روش‌های تفسیری کتاب مقدس نشأت گرفته‌اند. از جمله مهم‌ترین نمونه‌ها در این خصوص، روش تفسیری گونه‌شناسی<sup>۱</sup> است. گونه‌شناسی، در اصل، روشی برای تفسیر کتاب مقدس بوده است که به‌طور فزاینده و به میزان گسترده‌ای برای فهم و تفسیر هنر مسیحی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. اگرچه این روش نخست توسط آباء کلیسا و فیلسوفان متقدم مسیحی به منظور فهم و تفسیر کتاب مقدس تبیین و بسط یافت اما کاربرد آن هرگز در حیطه متون مقدس محدود نماند و در فهم و تفسیر آثار هنری، و متعاقب آن در فرایند آفرینش هنری، نیز تأثیرات بسزایی بر جای گذاشت. این روش در هنر مسیحی قرون وسطای متأخر، به ویژه در غرب جهان مسیحیت، از چنان اهمیتی برخوردار شد که آن را رایج‌ترین صورت تفسیری بازنمود یافته در هنر دانسته‌اند (Hughes, ۲۰۰۶: ۱۷۷). به عبارت دیگر، گونه‌شناسی نه تنها یکی از رایج‌ترین و ماندگارترین شیوه‌های فهم معنای تمثیلی کتاب مقدس در قرون وسطا بوده، بلکه هم‌چنین شیوه‌ای تفسیری بوده که بیشترین تأثیر را بر هنرهای تجسمی بر جای گذاشته است.

گونه‌شناسی را، به طور خلاصه، به «پیش‌گویی در خصوص دین مسیحی بر اساس وقایع و افراد مندرج در عهد عتیق» تعریف کرده‌اند (Cross & Livingstone, 1997: 1649). در دانشنامه دین و اخلاق، گونه‌شناسی به مثابه «علم یا هنر کشف و تفسیر پیشگویی‌های پیامبرانه در خصوص شخص مسیح یا در خصوص آموزه‌ها و اعمال



مسیحی بدل شد. این شیوه برای آن دسته از مخاطبان یهودی که به متون مقدس خود وفادار بودند و نیز برای غیریهودسانی که تحت تأثیر قدمت این نوشته‌ها قرار می‌گرفتند، جذابیت خاصی داشت. گونه‌شناسی در کلیسای اولیه به ویژه نزد آباء اسکندریه رواج یافت. از نظر ایشان تقریباً هر چیزی در عهد عتیق را می‌توان با این روش تفسیر کرد. روش گونه‌شناسی همواره در سراسر قرون وسطا و به ویژه در قرون وسطای متأخر غرب مسیحیت مورد استفاده مفسران قرار گرفت. گونه‌شناسی متأخر، در دوران مدرن، ذیل بحث‌های روش‌شناختی هرمنوتیکی در تفسیر متون عهد عتیق قرار گرفت (Mathys, 1999: 576).

تفسیرهای گونه‌شناسانه تأثیر بسزایی بر هنر مسیحی برجای گذاشته‌اند به ویژه در قرون وسطای متأخر که صفوف گونه‌ها و پادگونه‌ها اغلب در ساختار طرح‌های تصویری به کار می‌رفتند. طرح‌های تصویری‌ای که به شیوه گونه‌شناسی کتاب مقدس را به تصویر می‌کشیدند، به ویژه در قرون وسطای غرب اروپا رایج بودند. در آن دوره ارتباط عمیقی میان هنر و تفسیر شکل گرفت. آثار هنری هنرمندان قرن‌های دوازدهم تا چهاردهم آشکار می‌کنند که شیوه‌های تصویری یا تجسمی به مثابه راه‌های مؤثری برای بیان اندیشه‌های تفسیری قلمداد می‌شده‌اند.

به نظر می‌رسد که خاستگاه به کارگیری روش گونه‌شناسی برای تفسیر کتاب مقدس و سپس برای تفسیر آثار هنر مسیحی را باید در خود کتاب مقدس جست. در مقاله حاضر، ابتدا واژه‌های گونه و پادگونه از نظر لغوی و پیشینه معنایی در متن کتاب مقدس مورد بررسی قرار می‌گیرند. در ادامه، سیر کاربرد این روش در طی قرون وسطا و دیدگاه‌های مهم فلسفی آن دوران در خصوص این روش ذکر می‌گردد. سپس مهم‌ترین نمونه‌های کاربرد این روش در خلق و تفسیر آثار هنری قرون وسطا برشمرده می‌شود تا از خلال بررسی آنها، از سویی چگونگی کاربرد این روش در تفسیر هنر مسیحی قرون وسطای متأخر روشن گردد و از سوی دیگر اصول

حاکم بر این روش تفسیر آثار هنری پدیدار گردد.

## الف) اصطلاح «گونه»

Type (گونه)، که تلفظ لاتینی آن typus است، از واژه یونانی τύπος می‌آید

(Simpson & Weinerm, 2004: 786). به مهر یا قالبی که ضرب شده بود و به عنوان یک مدل یا الگو استفاده می‌شد، Typos گفته می‌شد (Mathys, 1999: 576). بر این اساس می‌توان گفت که معنای اولیه گونه‌شناسی، معنایی بصری بوده است. به علاوه، همان‌گونه که اسقف هربرت مارش (Herbert Marsh) خاطر نشان کرده، نسبت گونه‌شناسی عبارت از صرف تشابه میان دو امر نیست، بلکه شباهت امر نخست (گونه) به امر متعاقب (پادگونه) باید از پیش در نظر گرفته شده باشد (Fairbairn, 1854: 59-60). برای پولس این اصطلاح را به همین صورت (typikos) به کار برده است (رومیان ۵: ۱۴؛ ۱ قرنیتیان ۱۰: ۶، ۱۱). اصطلاح an-titypos در ۱ پطرس ۳: ۲۱ به کار رفته است. با وجود این، معنای گونه در بخش‌های مختلف کتاب مقدس، تا حدی متفاوت است. با توجه به این تفاوت‌ها، این واژه در ترجمه‌های انگلیسی زبان کتاب مقدس حداقل به چهار کلمه متفاوت ترجمه شده است (Mizzi, 2012) که عبارتند از:

۱. (Typos type): گونه (رومیان ۵: ۱۴؛ ۱ قرنیتیان ۱۰: ۶، ۱۱)
۲. (Skia shadow): سایه (کولسیان ۲: ۱۷)<sup>۲</sup>
۳. (Hypodeigma copy): تقلید (عبریان ۸: ۵؛ ۳: ۹)
- (۲۳)
۴. (Semeion sign): نشانه (متی ۱۲: ۳۹)

نخستین معیاری که برای گونه‌شناسی مطرح شده و بیشتر متخصصان در مورد آن توافق دارند، تطابق (cor-) (respondence) است به این معنا که بین دو چیز تشابه بسیار زیادی وجود دارد، اما آنها یک چیز نیستند. گونه و پادگونه ممکن است تنها در چند عنصر، و گاه تنها در

پادگونه	گونه
مسیح در گور <sup>۴</sup>	یونس در شکم ماهی
مسیح بر روی صلیب <sup>۵</sup>	مار مفرغی آویخته شده در بیابان
غسل تعمید <sup>۶</sup>	عبور بنی اسرائیل از دریای سرخ
غسل تعمید <sup>۷</sup>	گذر از میان دریا به کمک کشتی نوح
مسیح <sup>۸</sup>	ملکیصدق
مسیح <sup>۹</sup>	آدم
مسیح <sup>۱۰</sup>	نان حیات
مسیح <sup>۱۱</sup>	بزه

پاتریک فربرن فهرست زیر را از گونه‌ها برشمرده است (Darbyshire, 2003: 500):

اشخاص: آدم، ملکیصدق، سارا، هاجر، اسماعیل، اسحاق، ابراهیم، موسی، داود، سلیمان، یحیی، زرتابیل و یوشع.

وقایع: نجات یافتن نوح، پسخ، خروج، عبور از دریای سرخ، دادن من، نقاب زدن موسی بر صورت خود (رساله دوم قرن‌تین ۳: ۱۳)، جاری شدن آب از صخره (خروج ۱۷: ۱-۷)، مار مفرغی در بیابان.

### ج) پیشینه روش گونه‌شناسانه در قرون وسطا

در دوره آباء کلیسا، استفاده از روش گونه‌شناسی به عنوان روش تفسیری را می‌توان نزد پدران رسول، در نیمه نخست قرن دوم میلادی، مشاهده کرد. اگر چه استفاده از این روش در آن دوران چندان قابل توجه نبوده است. در امتداد دوره آباء کلیسا، دو پیشرفت مهم رخ داد. نخست آن که پدران مدافع مثل یوستین شهید، ترتولیان و ایرنائوس از این شیوه برای دفاع از مسیحیت در برابر یهودیان و گنوسیان استفاده کردند. آن‌ها با استفاده از این روش نشان می‌دادند که عهد عتیق در واقع توسط عهد جدید به تحقق می‌رسد. دوم این که

یک عنصر مشترک باشند. وان راد (Von Rad) خاطر نشان می‌کند که «هسته اصلی گونه‌شناسی عبارت است از تشابه میان عهد عتیق و عهد جدید». گونه و پادگونه، افراد، رخدادها و نهادهای مختلف هستند که از شباهت آشکاری برخوردارند، علیرغم تفاوت‌های بسیار دیگری که دارند. بنابراین، تطابق یک به یک میان گونه و پادگونه وجود ندارد. (Constant, 2005).

### ب) نسبت‌های گونه‌شناسانه در کتاب مقدس

پیشینه گونه‌شناسی کتاب مقدس در مسیحیت به آثار یهودی در خصوص فرجام‌شناسی و مسیح‌شناسی بازمی‌گردد، که در آنها وقایع اولیه تاریخی کتاب مقدس به مثابه تجسم پیشین وقایع آینده تفسیر می‌شد و در انجیل سندیت یافته بود. مسیح که ظهور خود را موجب کامل شدن شرایع و نبوتها اعلام کرده بود، عهد عتیق را به مثابه گونه‌ای برای تصلیب و رستاخیز خود معرفی کرد. تاکنون فهرست‌های مختلفی از موارد نسبت‌های گونه‌شناسانه در کتاب مقدس عرضه شده است. برخی از پژوهشگران، به طور کلی اعمال الهی دوران قبل از مسیح را تجسم پیشین اعمال الهی پس از مسیح دانسته‌اند. (Bruce, 1994: 1226) بر این اساس، در عهد جدید، نجات مسیحی به مثابه اوج کارهای بزرگ خداوند ذکر شده است که در واقع پادگونه‌ای است برای گونه‌های کارهای خداوند در عهد عتیق و نجات مسیحی به مثابه آفرینش دوباره، خروج دوباره و رهایی دوباره از اسارت قلمداد می‌شود. همچنین، انبیاء عهد عتیق خروج از مصر را به مثابه گونه‌ای برای انتقال مردم از حالت آشفتگی در آینده توسط خدا در نظر گرفته‌اند (اشعیاء ۱۱: ۱۱). با وجود این، گونه‌شناسی در عهد جدید به طور خاص به مسیح مربوط می‌شود. برخی از نسبت‌های گونه‌شناسانه که در هنر مسیحی نیز تأثیرگذار بوده‌اند، در جدول زیر نشان داده شده‌اند:

دو مکتب تفسیری رواج پیدا کردند. مکتب اسکندریه با حضور کلمنس (۲۱۵-۱۵۰) و مکتب انطاکیه که لوسیان ساموستایی (Lucian of Samosata) (مرگ ۳۱۲) بنیان نهاد. نوشته‌های پدران رسول، به ویژه رساله‌های برنابا (۶: ۱۱؛ ۷: ۳، ۷، ۱۰، ۱۱ و ...) نشان دهنده پیشرفت سریع این مفهوم است. ۱ کلمنت: ۲۵، تصویری از ققنوس، اسطوره کلاسیک، را به عنوان گونه‌ای از رستاخیز مسیح به خدمت گرفته است.

یوستین شهید (۱۶۵-۱۰۰)، که اولین فیلسوف بزرگ از پدران مدافع یونانی‌زبان دانسته می‌شود، به موارد متعددی که موسی به عنوان گونه مسیح در نظر گرفته شده، اشاره کرده است. یوستین در جستجو برای یافتن حقیقت، نظام‌های مختلف فلسفی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده بود. او با رواقیون، مشائیان، اپیکوریان و فیثاغوریان آشنایی داشت. وی نسبت به دیدگاه‌های افلاطون علاقه بیشتری داشت. یوستین اعتقاد داشت که هر فیلسوفی به قسمتی از حقیقت دست یافته است، اما حقیقت به طور کامل در مسیح ظهور کرده است. به نظر او ریشه این حکمت در عهد عتیق است، زیرا پیامبران بنی‌اسرائیل آن را قبل از ظهور جسمانی مسیح به طور ناقص ابراز کرده‌اند، تا این که با تجسد مسیح، یعنی لوگوس خداوند، خود حقیقت ظاهر شد.

نوشته‌های یوستین شهید نشان می‌دهد که گونه‌ها چه بسیار به کار گرفته شده‌اند. یوستین نه تنها از استفاده سنتی مسیحیان از عبارات‌های مسیحایی (همچون پیدایش ۴۹: ۱۰-۱۲؛ اشعیا ۷: ۱۴؛ ۹: ۶؛ ۱۱: ۱-۳؛ مزامیر ۲: ۷؛ ۱۱۰: ۴) دفاع کرد، بلکه خود او گونه‌های دیگری نیز یافت. برای مثال، تقریباً هر تکه چوبی را که در کتاب مقدس یهود به آن اشاره شده بود، نمونه‌ای از صلیب دانست (الکساندر، ۱۳۸۶: ۱۷۴). به عنوان نمونه، وی دستان گشوده موسی بر بالای کوه را گونه‌ای برای مسیح بر روی صلیب معرفی کرد.<sup>۱۱</sup>

اریگن که در سال ۱۸۵ در اسکندریه به دنیا آمد، یکی از برجسته‌ترین آباء مکتب اسکندرانی است. او شاگرد کلمنس و نیز آمونیوس ساکاس، احتمالاً به

همراه فلوطین، بود. او را بزرگترین متفکر مسیحی قرون نخستین میلادی دانسته‌اند که نظام الاهیاتی-فلسفی منسجمی ساخته است. از نظر او کتاب مقدس حجت بود اما وی معتقد بود که ظاهر متن، تمام معنای آن نیست. باید از آن عبور کرد و به باطن و معنای مخفی آن دست یافت. به نظر او کتاب مقدس دریایی است از اسرار که باید اسرار آن را کشف کرد و شناخت. به نظر او سه معنی برای کتاب مقدس می‌توان در نظر گرفت: معنی ظاهری یا تاریخی که متعلق به حوزه جسم است؛ معنی عرفانی که تعلق به نفس دارد؛ معنی حکمی که متعلق به روح است. او گاهی معانی دوم و سوم را معنی باطنی می‌نامد و توجهی به معنی ظاهری یا لفظی ندارد. به نظر او تاکید صرف بر معنی ظاهری کتاب مقدس امری بی محتوا، حماقت آمیز و غیر اخلاقی است (ایلخانی، ۱۳۸۶: ۵۷-۵۸).

تلقی اریگن این بود که بخش اعظم وحی کتاب مقدس درباره سرنوشت ارواح، هبوط و نجات آنهاست. از این رو در تفسیر خود بر کتاب مقدس یهودی، داستان اسرائیل را تمثیلی از سلوک روح می‌داند که در آن از جهان حسی «مصر» به سوی سرزمین موعود «برکت» عزیمت می‌کند. آموزه‌های عیسی و رسولان نیز همان هدف را دنبال می‌کرد: آنها به صراحت یا به تمثیل، به امیدی که مسیحیان با آن زندگی می‌کنند، اشاره دارند. روش گونه‌شناسی به ویژه در اسکندریه رونق یافت و فیلون از آن استفاده زیادی کرد و بر لزوم کشف معنای عرفانی کتاب مقدس در این مکتب تأکید شد. بر این اساس، در روش گونه‌شناسانه قابلیت‌های زیادی برای تفسیر کتاب مقدس شناسایی شد. این نحوه تفسیر در غرب مسیحیت، توسط قدیس آمبروس (۳۹۷-۳۳۹) و بیش از او توسط آوگوستین (۴۳۰-۳۵۴) به قرون وسطای لاتین منتقل شد (O'Collins, 2004: 278).

مکتب انطاکیه با این کاربرد مخالف بود. تئودور موپسوئستایی (Theodor of Mopsuestia) به شدت تفسیر تمثیلی را رد کرد. آرنوبیوس (Arnubi-os) خاطر نشان کرد که به دلیل فقدان قوانین

## د) چگونگی استفاده از روش تفسیر گونه‌شناسانه در هنر مسیحی قرون وسطا

شواهدی که از کاربرد تفسیر گونه‌شناسانه کتاب مقدس در مسیحیت اولیه باقی مانده است، نشان می‌دهد که این روش از همان سال‌های اولیه بر هنرهای تجسمی مؤثر بوده است. در هنر مسیحیت اولیه که در محل‌های تدفین به کار می‌رفت، تک صحنه‌هایی مربوط به عهد عتیق غالباً صحنه‌های نجات معجزه‌آسا را به تصویر می‌کشید. تصاویری همچون نوح در کشتی، دانیال در لانه شیران، نجات یونس از شکم ماهی، نجات به واسطه مسیح را از پیش مجسم می‌ساخت. همچنین تصاویری که در آنها از داستان‌های عهد جدید - مانند زنده کردن لعازر و معجزات شفا بخش - استفاده شده را می‌توان اشاره‌هایی به امید مسیحیان پس از مرگ دانست (Williamson, 2004: 6).

در قرن‌های ۴ و ۵ هرجا که حلقه‌های تصویری ترسیم می‌شد غالباً صحنه‌های مربوط به عهد عتیق و عهد جدید، با یکدیگر تلفیق می‌شدند. شاهد چنین امری، اثری به نام Dittochaeon از شاعر مسیحی مشهور پِردنتیوس (Prudentius) (حدود ۳۴۸-۴۱۰) است. این اثر شعری، شامل ۴۸ رباعی است که ۲۴ صحنه از عهد عتیق و ۲۴ صحنه از عهد جدید را که در یک بازیلیکا به تصویر کشیده شده بوده‌اند را توصیف می‌کند. صحنه‌های عهد عتیق از آدم و حوا آغاز می‌شود و صحنه‌های عهد جدید از بشارت آغاز می‌گردد. این اثر بیش از آن که از جنبه ادبی مهم باشد، از لحاظ اشاره‌ای که به این تصاویر داشته است، اهمیت دارد. چه در این مجموعه شعر و چه در آثار هنری معاصرش، هم چون ۱۸ تخته‌بست باقی مانده از در چوبی (حدود ۴۳۰) در سانتاسابینای رم، یافتن تطابق نظام‌مندی میان وقایع عهد عتیق و عهد جدید به سادگی امکان‌پذیر نیست. با وجود این، در توصیفی که شعر روستیکوس هلیپیدیوس (مرگ حدود ۵۳۳) (Helpidius Rusticus) بیان می‌کند ۸

مشخص تفسیری، هر چیزی را می‌توان از کتاب مقدس نتیجه گرفت. مکتب انطاکیه به شدت در برابر رویکرد تمثیلی که مکتب اسکندریه مطرح می‌کرد، موضع گرفت و تأکید کرد که تفاسیر کتاب مقدس باید کاملاً بر تاریخ و معنای تحت‌اللفظی متن استوار باشند. آنها از گونه‌شناسی به مثابه روشی تفسیری استفاده می‌کردند و معتقد بودند که رابطه میان گونه و پادگونه باید واقعی و قابل فهم باشد. از دیگر پیروان این مکتب می‌توان به دیدوروس تارسوس (Didorus Tarsus) (مرگ حدود ۳۹۳)، تئودور مویسائستیا (Theodore of Mop-suestia) (مرگ ۴۲۸) و جان کریسوستوم (John Chrysostom) (۳۴۴-۴۰۷) اشاره کرد. با وجود این، روش تفسیری اسکندرانی در تفاسیر مسیحی قرون وسطا در طی بیش از صدها سال، غلبه پیدا کرد. یکی از مهمترین دلایل غلبه مکتب اسکندرانی، شورای دوم قسطنطنیه بود (۵۵۳) که در آن، آثار تئودور مویسائستیا محکوم گردید و دستور سوزاندن آنها صادر گردید. در نتیجه، مکتب انطاکیه به طور کلی مزنون واقع گردید (Darbyshire, ۲۰۰۳: ۵۰۲).

در قرون وسطای متأخر، گونه‌شناسی در ساختار الاهیات جای گرفت و وارد فلسفه مدرسی شد. وظیفه آن فیلسوفان اثبات آن بود که دین مسیحی، عقلانی است و می‌خواستند آن را با آموزه‌های رایج ارسطوگرایانه سازگار کنند. الگوی آباء کلیسا مبنی بر پذیرفتن معنای سه‌گانه کتاب مقدس غالباً پذیرفته شد. رابانوس مائوروس (Rabanus Maurus) به معنای چهارگانه قائل شد. برخی فراتر رفتند و معانی هفتگانه یا هشتگانه را برشمردند. اریگنا (Erigena) از «معنای بی‌نهایت» سخن می‌گفت و به واسطه عرفان‌گرایی خود به استفاده آزادانه از روش تمثیلی رهنمون گشت. از نظر او کتاب مقدس مانند پر طاووس است که هر ذره از آن، با رنگهای متفاوت می‌درخشد (ibid).



گونه و پادگونه برشمرده شده است. (Sears, 1996: 498) تفکر گونه‌شناسانه آشکارا در پس طرح معرّق‌های جایگاه کشیشان کلیسای سن ویتالله در راونا (حدود ۵۴۷) حضور دارد. در آنجا چهار گونه، برای عشای ربّانی، بر روی دو جناح طرفین محراب تصویر شده است: هابیل، نخست‌زادگان گله خود را تقدیم می‌کند (پیدایش ۴: ۴) و ملک‌صدق، نان و شراب می‌آورد (پیدایش ۱۴: ۱۸) (شکل ۱)، ابراهیم برای سه فرشته نان می‌آورد (پیدایش ۱۸: ۱۸) و ابراهیم اسحاق را قربانی کردن می‌کند. (پیدایش ۲۲: ۱۴-۱)

پروژه‌های گونه‌شناسانه زیادی در قرن دوازدهم، به ویژه در نیمه دوم آن قرن، و قرن سیزدهم آغاز به کار کردند.<sup>۱۳</sup> صحنه‌های مربوط به زندگی مسیح، غالباً هسته اصلی این حلقه‌های سیستماتیک و رو به ازدیاد را شکل می‌دادند: هر پادگونه اغلب با بیش از یک گونه مجاور بود. بر روی پا پیکره صلیب بزرگی که راهب بزرگ سوژر برای صومعه سن دنی ساخت (و در سال ۱۱۴۷ تقدیس شد)، ۶۸ عدد مینا «تاریخ نجات دهنده» را در ردیفی هماهنگ با «شواهدی تمثیلی از عهد عتیق» نشان می‌دادند. آن اثر در قرن هفدهم از بین رفت. سوژر زرگرانی را از لورن فراخوانده بود تا آن قطعه را تولید کنند (Panofsky, 1948: 177). در دهه‌های بعد، هنرمندانی از منطقه میان رودخانه‌های راین و میوز آثار زیادی را ساختند و آنها را با طرح‌های گونه‌شناسانه آراستند. از آن میان می‌توان به محجر محراب (سه لته‌ای) قابل حمل استاولو (Stavelot Portable Altar) (حدود ۶۰-۱۱۵۰)، تابلو سه‌لته‌ای آلتون تاورز (Alton Towers) (حدود ۱۱۶۰)، اناجیل اوربد (Averbode) (حدود ۱۱۶۰) و تعداد قابل توجهی صلیب محراب و صندوق مزین نگهداری صلیب راستین اشاره کرد. روی نمونه شاخص صلیب میناکاری شده اثر هنرمندان میوزی (Mosan artists) (هنرمندان محدوده بلژیک، هلند و آلمان امروزی)، با پنج گونه رایج در خصوص تصلیب تزئین شده است (شکل ۲): برافراشتن مار مفرغی توسط موسی<sup>۱۴</sup>، بیوه زن اهل صرفت در حال برداشتن

دو تکه هیزم<sup>۱۵</sup> (اول پادشاهان ۱۷: ۱۰)، برکت بخشیدن یعقوب به افرایم و منسی<sup>۱۶</sup> (پیدایش ۴۸: ۱۴-۱۲)، مرد بنی‌اسرائیلی در حال نوشتن علامت تاو<sup>۱۷</sup> (خروج ۱۲: ۷)، دو مأمور مخفی در حال بازگشت از کنعان که خوشه انگوری را حمل می‌کنند<sup>۱۸</sup> (اعداد ۱۳: ۲۳).

نیکلاس وردنی (Nicholas of Verdun) یکی از بزرگ‌ترین آثار گونه‌شناسانه قرون وسطا را در سال ۱۱۸۱ خلق کرد.<sup>۱۹</sup> اثر او، یک محجر محراب آراسته با میناکاری، همراه با متونی توضیحی، بود که پرووو ورنر (Provost Wernher) آن را برای صومعه آوگوستینی کلوسترنویبورک (Klosterneuburg)، در نزدیکی وین، سفارش داده بود (Murray, 1998: 550) طرح پیچیده این محجر محراب از سه ردیف افقی تشکیل می‌شود (شکل ۳): صحنه‌هایی از زندگی مسیح که باز نمود دوران تحت لطف (sub gratia) هستند، ردیف میانی را به خود اختصاص داده‌اند، در حالی که گونه‌های مربوط به دو دوره تاریخ یهود - دوران پیش از شریعت موسی (ante legem) و دوران تحت شریعت موسی (sub lege) - در ردیف‌های بالایی و پایینی قرار گرفته‌اند. این طرح واژه که مهارت هنرمند طراحش را نشان می‌دهد، در برخی از قسمت‌ها غیر معمول بوده است: «بشارت مسیح» با بشارت اسحاق<sup>۲۰</sup> (پیدایش ۱۸: ۱۶-۱) و بشارت شمشون<sup>۲۱</sup> (داوران ۱۳: ۵-۲) در یک ستون قرار گرفته‌اند. البته از تطابق‌های سنتی‌تر نیز استفاده شده است: تصلیب مسیح با قربانی کردن اسحاق و دو مأمور مخفی<sup>۲۲</sup> در یک ستون قرار گرفته‌اند. اهدا کننده این اثر، رودیگر (Rudiger)، در مسدسی که بر کتیبه آن نوشته به شیوه تفسیر سنتی در خصوص تقسیم تاریخ مقدّس به سه مرحله (پیش از شرع، پس از شرع، پس از لطف) اشاره می‌کند. وی همچنین سعی می‌کند تا نگاه و توجه را به مشخصه‌های ویژه تزئینات تصویری این اثر جلب کند. رودیگر می‌گوید: «در این اثر می‌بینیم که چگونه رخدادهای کتاب مقدّس بازتاب یکدیگرند». برای دیدن این امر، به این صورت هدایت می‌شویم که زمان پیش از شرع را در منطقه بالایی «بجوییم»؛ در زیر

برای تدریس به خانواده شاهنشاهی فرانسه آماده‌سازی شده بودند. در این کتاب بیشتر با شرح کتاب مقدس مواجهیم تا با متن آن و تنها به عبارات مختصری از متن کتاب مقدس ارجاع داده می‌شود. کل کتاب در حدود ۵۰۰۰ تصویر دارد. تصاویر در دو ستون موازی در هر صفحه قرار گرفته‌اند. در هر ستون، ۴ قاب‌بند تصویری وجود دارد. به موازات تصاویر، دو ستون قرار دارد که عرض کمتری دارند (Sears, 1996: 500).

۲. کتاب مقدس فقرا (Biblia Pauperum) اثری بود که در آن نسبت به کتاب مقدس اخلاقی به میزان بسیار زیادتری از روش گونه‌شناسانه استفاده شده بود. این کتاب در ربع آخر قرن سیزدهم در جنوب غربی آلمان تدوین شد؛ بیش از ۸۰ نسخه خطی از آن به جای مانده، که بخش اعظم آنها در اروپای مرکزی تهیه شده است. به علاوه تعداد زیادی نسخه چاپی از آن در دسترس است که قدیمی‌ترین آنها به حدود ۱۴۶۰ بازمی‌گردد. این اثر ۳۴ گروه تصویر دارد: در هر گروه، صحنه‌ای از زندگی مسیح قرار گرفته - که در نسخه‌های اولیه، دورادور آن را قاب‌بندی گرد احاطه کرده است - و در پیرامون آن ۴ پیامبر مشاهده می‌شوند و در طرفین آن، دو گونه مربوط به عهد عتیق قرار دارد. این قسمت‌ها با عبارات توصیفی زیر آنها توضیح داده شده‌اند (شکل ۵) بر خلاف انواع معمول کتاب مقدس مصور، که در آنها تصاویر تابع متن هستند، در این نوع از کتاب مقدس، تصویر از اهمیت محوری برخوردار است و تنها متن مختصری در کنار تصاویر آورده می‌شود یا اصلاً متنی آورده نمی‌شود. کلماتی که اشخاص واقع در تصاویر این نوع کتاب مقدس ادا کرده‌اند، گاه در لوح‌های مکتوبی که در نزدیکی دهان آنها تصویر شده‌اند، نوشته می‌شود. این کتاب حتی نسبت به کتاب مقدس اخلاقی نیز از متن کمتری برخوردار است. هر دو نوع این کتاب‌ها معمولاً نه به لاتین بلکه به زبان رایج محلی نگاشته می‌شدند. نخستین نسخه کپی‌ها از کتاب مقدس فقرا، نسخ خطی‌ای متعلق به قرن چهاردهم بودند اما با ظهور چاپ باسماه‌ای ۳۲، کتاب مقدس فقرا در دسترس مخاطبان

آن، زمان پس از شرع و در میان آن دو، دوران لطف را می‌بینیم. (Hughes, 2006: 174-175)

در کلیسای جامع کنترבורی، مجموعه‌ای از ۱۲ پنجره گونه‌شناسانه ساخته شد (حدود ۹۰-۱۱۸۰ حدود) که تاکنون بخشی از آن حفظ شده است: صحنه‌هایی از زندگی مسیح که از «بشارت» شروع می‌شود و تا «رستاخیز» وی ادامه می‌یابد. در طرفین هر یک از این صحنه‌ها دو صحنه، که غالباً گونه‌هایی از عهد عتیق هستند، قرار گرفته است (شکل ۴). تصاویر پنجره منقوش کلیسای کنترבורی که به شیوه گونه‌شناسانه در کنار یک‌دیگر قرار گرفته‌اند به شرح زیر هستند:

در قرون وسطای متأخر، کتابهای تصویری گونه‌شناسانه به صورت‌های مختلف که حلقه‌های بلندی از تصاویر را به همراه متون توضیحی مختصر در برداشتند، بسیار رایج شدند. به طور کلی، می‌توان به پنج نمونه شاخص زیر که همگی در محدوده قرن‌های سیزدهم تا پانزدهم آفریده شده‌اند، اشاره کرد که مهم‌ترین آثار گونه‌شناسانه بجا مانده از آن دوره را در بر دارند:

۱. کتاب مقدس اخلاقی (Bible moralisée) ژانری از کتاب مقدس است که در اواخر قرن سیزدهم در پاریس تدوین می‌شد. ۱۴ نسخه از این کتاب تاکنون باقی مانده است که متعلق به قرون ۱۳ تا ۱۵ است. این کتاب اگرچه قطور بود اما صرفاً بخش‌هایی از متن کتاب مقدس را، به همراه شرح و تصویر، در بر داشت. در هر صفحه از این کتاب، صحنه‌هایی از عهد جدید و عهد عتیق با یکدیگر جفت شده بودند و به کمک روش گونه‌شناسانه، اهمیت اخلاقی آنان توضیح داده شده بود. برای ساختن هر یک از این کتاب‌ها چندین هنرمند مشارکت داشته‌اند، اگرچه هویت و نقش آنها معلوم نیست.

یکی از جریان‌های بزرگ تعلیمی در نیمه نخست قرن سیزدهم، جریانی بود که بر تصاویر آموزش‌دهنده اخلاق اهمیت می‌گذاشت. این کتاب نیز بخشی از همان جریان و تلاشی برای رسیدن به اهداف آن بود. این نسخه‌های خطی برای استفاده شخصی تهیه می‌شدند و غالباً



و داستان‌های تاریخی غیر دینی نظیر *افسانه‌های زرین* نیز برگرفته شده‌اند. در این کتاب از آثار توماس اکوینی، فیلو نیز استفاده شده است. کتاب *آینه نجات انسان*، یکی از رایج‌ترین کتاب‌های قرون وسطای متأخر بود که نسخه تصویری داشت و هم چنین به شکل چاپ باسمه‌ای نیز منتشر گردید. نسخه کامل این کتاب ۵۲ برگه (۱۰۴ صفحه) و ۱۹۲ تصویر دارد. نسخه‌های چاپ باسمه‌ای مختصرتر هستند و ۱۱۶ تصویر دارند. در تدوین این کتاب از الگوی دقیقی تبعیت شده است. ۲۵ خط در هر ستون، ۲ ستون در هر صفحه که هر یک از ستون‌ها در زیر یک تصویر قرار دارد (شکل ۶) (Hoyt, 1956:88-90).

۴. اثر گونه‌شناسانه دیگری که کمتر پخش شده است، *Concordantiaecaritatis* نام دارد که راهب بزرگ اولریخ لیلینفلد (Ulrich of Lilienfeld) (مرگ ۱۳۵۸)، آن را پس از سال ۱۳۵۱ نوشته است. هر پادگونه با چهار پیامبر، دو گونه و دو صحنه مربوط به تاریخ طبیعی همراه شده است. (Sears, 1996:500).

۵. در کتاب *pictor in carmine* نویسنده‌ای ناشناس در حدود سال ۱۲۰۰ برای نقاشان توضیح داده که چگونه طرح‌های گونه‌شناسانه پدید بیآورند. این نویسنده برای بیش از ۱۳۸ پادگونه، از دو تا بیست و یک گونه برشمرده است. وی جدولی از پادگونه‌ها و گونه‌های متعلق به آنها را در ادامه متن کتاب آورده است. نویسنده این کتاب احتمالاً سیستمی بوده است، چرا که در مقدمه کتاب به دفاع از دیدگاه‌های سن برنار در خصوص نقد هنر کلونی پرداخته است. به علاوه، از آنجا که تمام نسخه‌های آنها در انگلستان یافت شده، به نظر می‌رسد که وی انگلیسی بوده است. او استفاده از طرح‌های گونه‌شناسانه برای تزئین کلیسا را توصیه می‌کند، نه تنها به دلیل این که این روش توجه بیشتری به جنبه تعلیمی داشته است، بلکه همچنین به این دلیل که بازنمودهای گونه‌شناسانه تصاویر، مفاهیم تفسیری را بسیار نافذتر از دیگر روش‌ها در ذهن حک می‌کند. (Brown, 1954:74).

بیشتری قرار گرفت و به تدریج نه فقط کشیشان و مبلغان، بلکه مردم عادی نیز نسخه‌ای از آن کتاب‌ها را در اختیار داشتند. باسمه چوبی، علاوه بر استفاده در چاپ باسمه‌ای مکاشفه‌ها، برای چاپ تصاویر کتاب مقدس فقرا، که از مجموعه نسخ خطی الهام گرفته بود، استفاده می‌شد. نخستین نمونه‌های کتاب مقدس فقرا با چاپ باسمه‌ای، همچون نسخ خطی الگوی خود، ۳۶ صفحه تصویر داشتند. بعدها، نسخه‌های مفصل‌تری با ۴۰ صفحه تصویر تهیه شد. بیشتر نمونه‌های بجامانده، از همین شکل تبعیت می‌کنند. نمونه‌ای از کتاب مقدس فقرا که دارای ۴۰ برگ است، امروزه در کتابخانه بریتانیا نگهداری می‌شود. در میانه هر صفحه، یک پادنمون قرار دارد و قاب‌بست‌هایی در دو طرف آن، گونه‌هایی را از عهد عتیق تصویر می‌کنند (گاهی این گونه‌ها از انجیل‌ها یا کتاب مکاشفه هستند). در بالا و پایین این نقاشی سه لته‌ای مرکزی، دو جفت از پیامبران یا بطریقان دیده می‌شوند که نامهایشان در طومارها نوشته شده است و منتخباتی از متون پیشگویانه در کنار آنها آورده شده است تا ماهیت نسبت‌های گونه‌شناختی‌ای که به تصویر کشیده شده است، روشن گردد (Williamson, 2004:73-76).

۳. *آینه نجات انسان* (Speculum Humanae Mirror of Human Salvation): متن گونه‌شناسانه این کتاب به نظم است که نویسنده‌ای گمنام، که احتمالاً راهبی دومینیکی بوده، آن را در قرن چهاردهم تصنیف کرده است. تقریباً در همه نسخه‌های این کتاب، حلقه‌های گونه‌شناسانه معتناهی به چشم می‌خورد؛ بیش از ۳۵۰ نسخه خطی و چاپی اولیه (باسمه‌ای) از آن باقی مانده است. در هر یک از ۴۵ فصل (در برخی از نسخه‌ها ۴۴ فصل) ۴ تصویر در زمینه‌های مستطیل شکل با اندازه‌های یکسان در بالای ۴ ستون متنی دیده می‌شوند. این تصاویر واقعه‌ای را از زندگی مسیح یا زندگی مریم مقدس به همراه سه پادگونه آن واقعه تصویر می‌کنند. گونه‌ها و پادگونه‌هایی که در اینجا استفاده شده‌اند، گاه از منابع خارج از کتاب مقدس از جمله افسانه‌ها

آثار گونه‌شناسانه تا اواخر قرون وسطا در غرب جهان مسیحیت رواج داشتند. از مهم‌ترین نمونه‌های این آثار در قرن شانزدهم می‌توان به نقاشی‌های نمازخانه کالج سلطنتی انگلستان و نقاشی‌های دیوارهای نمازخانه سیستین در واتیکان اشاره کرد. نسبت‌های گونه‌شناسانه در این دو اثر به شرح زیر است:

۱. گونه‌شناسی نقاشی‌های نمازخانه کالج سلطنتی (King's College Chapel)، کیمبریج، انگلستان (۱۵۳۱-۱۵۱۵):

گونه	پادگونه	وجه مشابهت
موسی و بوتۀ مشتعل (خروج ۳: ۶-۲)	ولادت مسیح (لوقا ۲: ۷)	تولد، آغاز
ختنه اسحاق (پیدایش ۱۲: ۴-۳)	ختنه مسیح (لوقا ۲: ۱۲)	ختنه فرزند پسر
ملکه سبا در حال دادن هدیه به سلیمان (۱ پادشاهان ۱: ۰۱)	ستایش مجوسان (متی ۲: ۱۱)	ستایش و پیشکش از سوی بیگانگان
وسوسه حوا (پیدایش ۳: ۶-۱)	بشارت (لوقا ۱: ۸۳-۶۲)	الهاماتی به یک زن
وقف نخست‌زاده (خروج ۳۱: ۲)	وقف عیسی (لوقا ۲: ۲۲)	وقف نخست‌زاده پسر
گریز یعقوب از عیسو (پیدایش ۸۲: ۵)	گریز به مصر (متی ۲: ۱۲)	گریز به سرزمینی دیگر
نعیمان خود را در رود اردن می‌شوید (۲ پادشاهان ۴: ۷۳-۴۱)	غسل تعمید مسیح (متی ۳: ۶۱)	غسل تعمید، شستشو
یعقوب، عیسو را وسوسه می‌کند تا حق نخست‌زادگی‌اش را بفروشد (پیدایش ۵۲: ۳۳)	وسوسه مسیح (متی ۴: ۱۱-۱)	وسوسه
الیسع پسر شونمی را زنده می‌کند (۲ پادشاهان ۴: ۷۳-۸۱)	زنده شدن لعاز (یوحنا ۱۱: ۴۴-۳۴)	زنده کردن مرده

پیروزی داود (۱ سموئیل ۴۵: ۷۱، ۸۱: ۶)	ورود مسیح به اورشلیم (یوحنا ۲۱: ۵۱-۲۱)	فتح، پیروزی
بنی‌اسرائیل در حال جمع‌آوری نان من (خروج ۱۶: ۵۳-۴)	شام آخر (یوحنا ۳۱: ۶۲)	نان
هابیل و قابیل (پیدایش ۴: ۸)	خیانت به مسیح (متی ۶۲: ۹۴)	خیانت نزدیکان
شمعی در حال سنگ انداختن به داود (۲ سموئیل ۶: ۷)	تمسخر مسیح (لوقا ۲۲: ۴۶)	آزار و تمسخر
زجر ایوب (ایوب ۲: ۹-۷)	تازیانه زدن به مسیح (یوحنا ۹: ۱۹: ۲)	رنج و مصیبت
تاجگذاری سلیمان (غزل غزلهای سلیمان ۳: ۱۱)	گذاشتن تاج خار بر سر مسیح (یوحنا ۹: ۱۹: ۲)	تاجگذاری
نوعی برای آخرین پسرش سوگواری می‌کند (روت ۱: ۶-۵)	زاری مریم بر جسد مسیح (طبق روایات)	سوگواری
یوسف را در چاه می‌اندازند (پیدایش ۳۷: ۲۲)	تدفین مسیح (متی ۲۷: ۶۰)	تدفین
ماهی یونس را از دهان خود بیرون می‌اندازد (یونس ۲: ۱)	رستاخیز مسیح (متی ۲۸: ۲)	بیرون آمدن از قبر
رئوبین چاه را خالی می‌یابد (پیدایش ۳۷: ۲۳)	سه مریم بر سر قبر خالی مسیح مرقس ۱۶: ۷: ۲)	مشاهده گور خالی
دانیال در لانه شیران زنده می‌ماند (دانیال ۶: ۳۲-۹۱)	مسیح زنده می‌شود و بر مریم مجدلیه پدیدار می‌گردد (یوحنا ۲۰: ۴۱)	زنده شدن

اعلان عمومی بر سر کوه	موعظه مسیح بالای کوه (لوقا: ۶) (۲۱-۹۴)	بالارفتن موسی از کوه سینا (خروج: ۴۲: ۷۱-۲۱)
در دست گرفتن قدرت	در اختیار گذاشتن کلیدهای ملکوت آسمان (متی: ۶) (۷۱-۹۲)	عذاب قورح، داتان و ابیرام (اعداد: ۶: ۵۳-۱)
جمع‌بندی و وصیت	شام آخر (متی: ۲۶) (۷۱-۹۲)	اتمام شریعت و مرگ موسی (تثنیه: ۳۳-۴۳)
رستاخیز	رستاخیز و صعود مسیح (متی: ۸۲) (۱-۸)	نزاع میکائیل و شیطان بر جسد موسی (نامهٔ یهوذا: ۹)

در لانهٔ شیران به دانیال غذا داده می‌شود (دانیال: ۶)	شام نزد عموآس (لوقا: ۴۲: ۱۳-۰۳)	صرف شام
یعقوب و یوسف یکدیگر را در مصر ملاقات می‌کنند (پیدایش: ۴۶: ۰۳-۹۲)	مسیح بر حواریونش آشکار می‌گردد (یوحنا: ۰۲: ۹۱-۰۲)	ملاقات نزدیکان
ایلیا به آسمان می‌رود (۲) پادشاهان: ۲: ۳۱-۱۱)	صعود مسیح (اعمال) رسولان: ۱: ۹)	صعود به ملکوت
موسی الواح شریعت را دریافت می‌کند (خروج ۱۳: ۱، ۲۳: ۱)	عید پنطیکاست (پنجاهه) (اعمال) رسولان: ۲: ۴-۱)	تکمیل دین

## نتیجه‌گیری

از بررسی موارد متعدد کاربرد روش گونه‌شناسی در هنر مسیحی قرون وسطا می‌توان نتیجه گرفت که این روش یکی از مؤثرترین و گسترده‌ترین روش‌ها در تفسیر، و نیز در آفرینش، اثر هنری بوده است. با وجود این، نوع تأثیرگذاری این روش با توجه به روند شکل‌گیری هنر مسیحی در قرون مختلف، متفاوت بوده است:

۱. در سه قرن اولیهٔ مسیحیت، تصاویری که در گوردخمه‌ها نقاشی شده است اغلب به صورت تصاویر منفرد از پیامبران پیش از مسیح، مثل داستان یونس در شکم ماهی، بوده است. این نوع تصاویر اغلب با استفاده از روش گونه‌شناسانه به مثابهٔ پیش تجسمی برای نجات حقیقی و ابدی به واسطهٔ مسیح، قلمداد می‌شده‌اند.

۲. در قرون چهارم تا دوازدهم، مبتنی بر بحث‌های آبابی کلیسا و مکتب تفسیری اسکندریه، به تدریج حلقه‌های گونه‌شناسانه از تصاویر مربوط به عهد عتیق و عهد جدید شکل گرفت. با وجود این، به ویژه در نمونه‌های اولیه، تفکیک مشخصی میان تصاویر مربوط به عهدین لحاظ نمی‌شد و بنابراین، تشخیص روابط گونه‌شناسانه با دشواری همراه بود.

۳. اوج فرایند استفاده از روش گونه‌شناسانه در هنر

۲. گونه‌شناسی نقاشی‌های دیوارهای نمازخانهٔ

سیستین

شاید مهم‌ترین نمونه از حلقه‌های گونه‌شناسانه، حلقه‌ای باشد که در نمازخانهٔ سیستین، نمازخانه‌ای پاپی که در طی سال‌های ۱۴۸۱ تا ۱۴۸۳ تحت نظر پاپ سیکستوس چهارم تزئین شد، تصویر شده است. در آنجا زندگی موسی بر روی دیوار سمت چپ و زندگی مسیح بر روی دیوار سمت راست تصویر شده است. (Welch 2001:1-2)، (شکل ۷).

وجه مشابهت	یادگونه	گونه
ختنهٔ فرزند پسر	غسل تعمید مسیح (متی: ۳: ۷۱-۳۱)	ختنهٔ پسر موسی (خروج: ۴: ۱۳-۴۲)
آزموده شدن، تلاش کدن	وسوسهٔ مسیح (متی: ۴: ۱۱-۱)؛ مرقس: ۱: ۲؛ لوقا: ۴: (۱-۳۱)	کشتن مرد مصری (خروج: ۲: ۵۱-۱۱) و جدال با شبانان برای دفاع از دختران (خروج: ۲: ۲۲-۶۱) و بوته مشتعل (خروج: ۳: ۲۱-۱)
پذیرش دعوت	دیدار با نخستین حواریون (متی: ۴: ۲۲-۸۱)	گذر بنی‌اسرائیل از دریای سرخ (خروج: ۴: ۱۳-۵)

۱۰. منحصر نبودن معنای کتاب مقدس به معنای واحد یا معنای تحت‌اللفظی: در سنت تفسیر کتاب مقدس در مسیحیت چنین تصور می‌شود که عهد عتیق و عهد جدید نه تنها معنای تاریخی یا تحت‌اللفظی دارند، بلکه معانی دیگری نیز دارند، از جمله معنای معنوی یا عارفانه معنای تمثیلی، معنای اخلاقی یا کنایه‌شناسانه، معنای باطنی یا فرجام‌شناسانه.

### پی‌نوشت‌ها

#### 1. typology

۲. «تمام اینها احکامی موقتی بودند که با آمدن مسیح از اعتبار افتادند. آنها فقط سایه‌ای از آن واقعیت بودند که قرار بود بیاید و آن واقعیت خود مسیح است.»
۳. «خدمت ایشان در واقع تقلیدی است از امور آسمانی.»
۴. «همانطور که یونس سه شبانه روز در شکم آن ماهی بزرگ ماند، من نیز سه شبانه روز در دل زمین خواهم ماند» (متی ۱۲: ۴۰؛ یونس ۱: ۱۷).
۵. «پس موسی یک مار مفرغی درست کرد و آن را بر سر تیری آویخت. به محض این که مارگزیده‌ای به آن نگاه می‌کرد شفا می‌یافت» (سفر اعداد ۲۱: ۹)؛ «همان‌گونه که موسی در بیابان، مار مفرغی را آویزان کرد تا مردم به آن نگاه کنند و از مرگ نجات پیدا کنند و زندگی جاوید یابند من نیز باید بر صلیب آویخته شوم تا مردم به من ایمان آورده، از گناه نجات پیدا کنند و زندگی جاوید بیابند» (یوحنا ۳: ۱۴).
۶. ای برادران عزیز، نباید آنچه را که در زمان‌های گذشته برای قوم ما اتفاق افتاد، از یاد ببریم. هنگامی که ایشان در بیابان سفر می‌کردند خدا آن ابر را فرستاد تا پیشاپیش آنان حرکت کند و هدایتشان نماید؛ سپس آنان را به سلامت از دریای سرخ عبور داد. در واقع می‌توانیم بگوییم که ایشان در دریا و در ابر، غسل تعمید گرفتند و با این کار، نشان دادند که موسی را پیروی خواهند کرد. (رساله اول قرنیتیان ۱۰: ۱-۴).
۷. اکنون این طوفان، غسل تعمید را در نظر ما مجسم می‌کند. وقتی تعمید می‌گیریم، نشان می‌دهیم که به وسیله زنده شدن مسیح، از مرگ و هلاک نجات یافته‌ایم. (رساله اول پطرس ۳: ۲۱).
۸. همانجایی که عیسی در مقام طلایه‌دار، از برای ما بدان درآمد و تا ابد کاهن اعظم در مرتبه مَلْکِیَصِدِّق گشت. (رساله به عبرانیان ۶: ۲۰)؛ زیرا شریعت، آدمیان دستخوش ضعف را در مقام کاهنان اعظم برمی‌گمارد؛ لیک کلام سوگند-که پس از شریعت آمد- پسر را که تا ابد کامل گشته است، برگمارد. (رساله به عبرانیان ۷: ۲۸).
۹. آدم حکم را برای بشر آورد، مسیح نجات را برای بشر آورد؛ با این همه، مرگ از زمان آدم تا موسی حکمفرما بود، حتی بر آنان که مرتکب معصیتی همانند گناه آدم نشدند، همان آدم که صورت کسی بود که باید می‌آمد. (رساله به رومیان ۵: ۱۴؛ ۵: ۲۱-۱۲)
۱۰. من نان حیاتم. پدران شما در بیابان مَن خوردند و با این همه

مسیحی را می‌توان از نیمه دوم قرن دوازدهم و همراه با شکل‌گیری فلسفه مدرسی در غرب مسیحیت مشاهده نمود. گونه‌شناسی علاوه بر نقاشی‌های دیوار کلیساها و نمازخانه‌ها در تصویرپردازی کتاب‌های مقدس و نیز کتاب‌های هنری نیز مورد استفاده قرار گرفت.

با توجه به مباحث فلسفی انجام شده در خصوص گونه‌شناسی و در نظر گرفتن نمونه‌های هنری که در آنها روش گونه‌شناسی مورد استفاده قرار گرفته است، اصول بنیادین تفسیر گونه‌شناسانه، که به عنوان پیش فرض‌های این روش قلمداد می‌شده‌اند، را می‌توان به قرار زیر دانست:

۱. وحی الاهی استمرار دارد: عهد عتیق و عهد جدید، هر دو وحی الاهی هستند.
۲. وحدت وحی الاهی: عهد عتیق و عهد جدید، از وحدت ذاتی برخوردارند.
۳. محور تمام تفاسیر گونه‌شناسانه، مسیح و آموزه نجات است.
۴. خداوند چنین مقدر کرده که گونه یا باز نمود برخی از واقعیات در آینده به صورت بزرگتر یا کامل‌تر متحقق گردد.
۵. خدا به وسیله پیامبران اراده و مشیت خود را به تدریج بر اجداد ما آشکار می‌نماید.
۶. جنبه پیشگویانه عهد عتیق: عهد عتیق، برای پیشگویی و از پیش مجسم ساختن عهد جدید به تصویر کشیده شده است.
۷. برتری عهد جدید بر عهد عتیق: عهد جدید به مثابه تحقق آنچه در عهد عتیق آمده، نسبت به آن برتر تلقی می‌شود.
۸. تقسیم تاریخ جهان به دو مرحله. تاریخ جهان، از آغاز تا انجام، به مثابه تاریخی منقسم بر دو مرحله در نظر گرفته شده است: زمان پیش از مسیح و دوران پس از تسلیب مسیح یا دوران تحت لطف.
۹. عدم امکان درک کامل و آنی کتاب مقدس: بر این اساس، تفسیر کتاب مقدس همچون رازی ادامه‌دار است و متون مقدس هیچ‌گاه خود را کاملاً آشکار نمی‌سازند.

## کتابنامه

الکساندر، فیلیپ؛ فرولیش، کارل فرید. (۱۳۸۶)، *تاریخ تفسیر کتاب مقدس؛ مترجم حامد فیاضی، هفت آسمان*، ش. ۳۴. ایلخانی، محمد. (۱۳۸۶). *تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس؛ تهران: سمت.*

عهد جدید بر اساس کتاب مقدس اورشلیم. (۱۳۸۷)، مترجم پیروز سیار. تهران: نشر نی.

کتاب مقدس، ترجمه تفسیری: شامل عهد عتیق و عهد جدید (۱۳۷۸). گروه مترجمان. قم: صدرا.

Brown, T. J. (1954), "Pictor in Carmine"; *The British Museum Quarterly*, Vol. 19, No. 4.

Bruce, F. F. (1994), "Typology" in *New Bible dictionary*, Leicester: Downers Grove.

Constant (2005), "Biblical Typology" (inaugural lecture for the chair of New Testament Studies, Toronto Baptist Seminary, Toronto, ON, January 24)

Cross, F. L.; Livingstone, E. A. (1997), "Typology" in *The Oxford dictionary of the Christian Church*, Oxford: Oxford University Press.

Darbyshire, J.R. (2003). "Typology" in *Encyclopedia of religion and ethics*; V.12, Edinburgh: T. & T. Clark.

Hoyt, Anna c. (1956). "The mirror of man's salvation". *Bulletin of the Museum of Fine Arts*, Vol. 54, No. 298.

Hughes, Christopher G. (2006). "Art and Exegesis" in *The Companion to Medieval Art*, edited by Conrad Rudolph, Blackweii Publishing.

Mathys, Hans-Peter. (1999), "Typology" in *The Encyclopedia of Christianity*; Vol. 5, Leiden: Brill.

Mizzi, Paul. (2012), "Types of Christ" in *Biblical essays*. Retrieved from <http://www.tecmaalta.org/tft155.htm>.

Murray, Peter. (1998), *The Oxford companion to Christian art and architecture*. New York: Oxford University Press

O'Collins, Gerald. (2004), "Typology" in *A Concise dictionary of theology*. New York: T & T Clark.

Sears, Elizabeth. (1996), "Typological cycles" in *The Dictionary of art*; V. 31, New York: Grove.

Simpson, J. A.; Weinerm, E. S. C. (2004), *The Oxford English Dictionary*; Vol. XVIII, 2nd. Ed., Oxford: Oxford University Press.

Panofsky, Erwin. (1948), *Abbot Suger on the abbey church of St.-Denis and its art treasures*. Princeton, N.J.: Princeton University Press.

Welch, John W. (2011). "Moses Typology of Jesus on the Long Walls of the Sistine Chapel" Retrieved from <http://ce.byu.edu/edweek/handouts/2011/20.pdf>

Williamson, Beth.. (2004), *Christian art: a very short introduction*, New York: Oxford University Press.

مردند؛ این نانی است که از آسمان نازل می‌شود تا آن را بخورند و نمیرند. من نان زنده‌ام که از آسمان نازل شده‌ام. اگر کسی از این نان بخورد، تا ابد زنده خواهد ماند. و نانی که عطا خواهم کرد، جسم من است بهر حیات آدمیان. (انجیل یوحنا ۶: ۵۱-۴۸)

۱۱. اکنون عید پَسَح فرا رسیده و مسیح که بره قربانی این عید می‌باشد، قربانی شده است. (رساله اول قرنتیان ۵: ۷)

۱۲. موسی دستهای خود را به طرف آسمان بلند کرد. تا زمانی که دستهای موسی بالا بود، جنگاوران بنی‌اسرائیل پیروز می‌شدند، اما هر وقت دستهای خود را از خستگی پایین می‌آورد، عملیاتی‌ها بر آنان چیره می‌گشتند. سرانجام موسی خسته شد و دیگر نتوانست دستهای خود را بالا ببرد. پس هارون و حور، او را روی سنگی نشاندهند و از دو طرف دستهای او را تا غروب آفتاب بالا نگه داشتند. در نتیجه، یوشع و سپاهیان او عملیاتی‌ها را به کلی تار و مار کردند. (خروج ۱۷: ۱۲-۱۱)

۱۳. از مهم‌ترین نمونه‌های بجا مانده از آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: از شمال فرانسه، تخته «تصلیب مسیح» از یک پنجره (قبل از ۱۱۴۷) در سن اتین (St Etienne)، شالون سور مارن (Châlons-sur-Marne)، کتاب ادعیه سالبانه هیلدهسهایم برای عشای ربانی (Hildesheim Missal) در لوئر ساکسونی (Lower Saxony) (حدود ۱۱۶۰)، نسخه مصور *dialogus de laudibus cruce* در جنوب غربی آلمان (حدود ۱۱۷۰).

۱۴. به نظر می‌رسد این تصویر نه به برافراشتن مار مفرغی در بیابان بلکه به حضور موسی و هارون در برابر فرعون و معجزه تبدیل عصا به مار (خروج ۷: ۱۰-۹) مربوط باشد. (هارون عصای خود را در حضور فرعون به زمین اندازد و عصا مار خواهد شد)

۱۵. هنگامی که ایلیا به دروازه شهر رسید، بیوه‌زنی را دید که هیزم جمع می‌کرد. او به بیوه زن گفت: خواهش می‌کنم کمی آب به من بدهید.

۱۶. یوسف؛ افرایم را در طرف چپ و منسی را در طرف راست یعقوب قرار داد. اما یعقوب عمداً طوری دراز کرد و بر سر پسرها گذاشت که دست راست او بر سر افرایم، پسر کوچکتر، و دست چپ او بر سر منسی، پسر بزرگتر، قرار گرفت.

۱۷. (مربوط به عید پَسَح؛ آزادی قوم یهود از قید برده‌داری فرعون‌های مصر) خون بره‌های قربانی شده را روی تیرهای عمودی دو طرف در و سر در خانه‌هایشان که در آن گوشت بره را می‌خورند، بپاشند. (حرف تاو در شکل قدیمی شبیه صلیب نوشته می‌شد)

۱۸. در آنجا یک خوشه انگور چیدند و با خود آوردند. این خوشه انگور به قدری بزرگ بود که آن را به چوبی آویخته دو نفر آن را حمل می‌کردند.

۱۹. ساختن این اثر ده سال به طول انجامید.

۲۰. یکی از ایشان (سه فرشته مرد) به ابراهیم گفت: «سال بعد در چنین زمانی نزد تو خواهیم آمد و ساره پسرخواهد زاید.»

۲۱. روزی فرشته خداوند بر همسر مانوح از قبیله دان که در شهر صرعه زندگی می‌کرد، ظاهر شد. این زن، نازا بود و فرزندی نداشت اما فرشته به او گفت «هر چند تا به حال ناز بوده‌ای ولی بزودی حامله شده، پسر خواهی زاید.»

۲۲. نمونه دیگر: یوسف در چاه، مسیح در گور و یونس در شکم ماهی.



۱

تصویر هابیل و ملک‌یصدق در کلیسای سن ویتاله



۲

پنج «گونه» برای تصلیب روی صلیب میناکاری شده



۳

بخشی از محجر محراب کلوسترنویبورک اثر نیکلاس وردنی





پستگوس کشید	سفر معرمان	بهدام سوزان بر آتش خرد
مسیح در حال هدایت تکفلان	هرودیس و معرمان	موسس در حال هدایت بنی اسرائیل
یوسابه و برانوش	مستایش معرمان و شیلان	سلیمان و سنگا سیا
پادشاهی در بیتلئیل	روزی معرمان	زنا نوط
بارگشتانی بر روی زمین نامناسب	مراقبه مسیح	مراقبه سدرنیل
سه فلجینت	روی گردان فرسیان از مسیح	کشید و سه پسر نوح
زمین مناسب آبیاری آب و نوح	بارگشتانی بر روی زمین مناسب	دو همسر زرقانه و یوحنا و مورس

۴

پنجره کلیسای کنتربوری



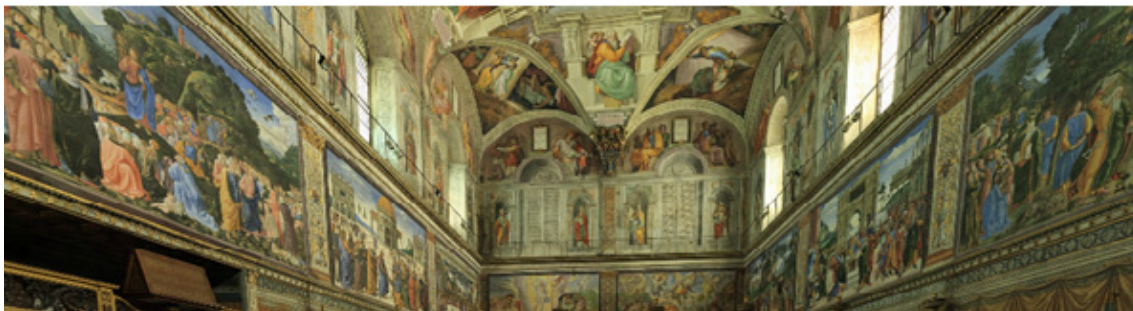
۵

نمایی از کتاب مقدس فقرا



۶

نمایی از کتاب آینه نجات انسان (نان حیات در بیابان - شام آخر)



۷

نمایی از دیوارهای داخلی نمازخانه سیستین